

حقوق بشر، گرانیگاه هویت و موجودیت ملل متحد

www.drmaahmoudi.com

مقدمه

مفهوم حقوق بشر بر پایه حقوق طبیعی از سده هفدهم میلادی مطرح شده است. این موضوع از نگاه فیلسوفانی همانند توماس هابز، جان لاک و ایمانوئل کانت بازتاب یافته و مورد بحث قرار گرفته است. پس از جنگ جهانی دوم، با تأسیس سازمان ملل متحد، فکر تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی شماری از شخصیت‌های بین‌المللی مطرح گردید. اعضای این سازمان با انتخاب ۱۸ کشور، کمیسیون حقوق بشر را بنیان نهادند تا نمایندگان این کشورها متن اعلامیه را تهیه کنند. با آغاز کار کمیسیون، بحث‌ها و تبادل نظرهایی در مورد مقدمه و مواد اعلامیه بین شماری از اعضاء درگرفت. در میان آنان، دولت‌های مختلف از جمله کشورهای اسلامی دیدگاه‌های خود را به تفصیل مطرح کردند. در میان این کشورها، نظرها درباره حقوق بشر و اعلامیه متفاوت بود. دلیل اصلی این امر به قرائت‌های گوناگون از اسلام و مذاهب آن بازمی‌گردد که منجر به اختلاف نظر در مبانی و تفسیرها از دین و شریعت می‌شود؛ شریعتی که علم فقه به عنوان دانشی بشری متکفل آن است و خود، دارمشاجرات. هدف نویسندگان اعلامیه این بود که سرانجام متنی اجماعی تهیه کنند که شامل مبانی و اصول حقوق بشر در چارچوبی جهانشمول باشد. به عنوان نمونه، می‌توان از خودبنیادی انسان، آزادی، عدالت، حاکمیت مردم به عنوان تنها منبع مشروع اقتدار حاکمیت، حکومت قانون، انتخابات آزاد با حق رأی همگان، تعهدات دولت‌ها در برابر مردم، نظم عادلانه بین‌المللی، حق توسعه، رفاه مردم، ضرورت صلح، حفظ امنیت بین‌المللی و امحاء سلاح‌های کشتار جمعی نام برد. سرانجام اعلامیه جهانی حقوق بشر در دهم دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و بدون رأی منفی به تصویب رسید. گفتنی است که ۲۱ ماده نخست از ۳۰ ماده اعلامیه، شامل حقوقی است که از «اعلامیه حقوق انسان و شهروندان» فرانسه در سده هجدهم میلادی گرفته شده است.

در این پژوهش، موضوع‌های زیر به ترتیب و به اختصار مطرح می‌شوند و مورد شرح و بحث قرار می‌گیرند: دکترین جهانشمول حقوق بشر، در سنجش «حقوق بشر غربی»، دموکراسی و حقوق بشر، نقش ایران در بنیانگذاری سازمان ملل متحد، و حقوق بشر و دولت‌های خودکامه.

۱. دکترین جهانشمول حقوق بشر

تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان تحولی ژرف و شگرف در جهان شناخته شد، به گونه‌ای که تهیه‌کنندگان این متن بنیادین، چنین استقبال جهانی را از آن پیش‌بینی نمی‌کردند. در واقع این سند گرانیگاه تدوین اسناد بسیاری در موضوع حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و کثیری از کشورها در سراسر جهان قرار گرفت. این استقبال بی‌دلیل و تصادفی نبود، زیرا دو جنگ جهانی اول و دوم که جان میلیون‌ها انسان را قربانی کرده بود و آوارگی‌ها، ویرانی‌ها و آسیب‌های بی‌شمار به بشریت وارد آورده بود، جهانیان را به اندیشه واداشت که در جهت حفظ و ارتقاء حقوق بنیادین بشر گام‌های اساسی بردارند.

اسناد عمده‌ای که در چارچوب معاهده تدوین شده و محتوای اعلامیه را دربرمی‌گیرند، به عنوان نمونه عبارت‌اند از: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون محو اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون رفع همه‌اشکال تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز، و کنوانسیون حقوق کودک.

این موضوع که حقوق بشر در زمره قواعد آمره (۱) درآمده‌اند، از اهمیت بین‌الملل حقوق بشر حکایت می‌کند. مبنای قواعد آمره برآمده از حقوق بشر آن است که کرامت انسان مستلزم پاسداری از حقوق و آزادی‌ها در قلمرو داخلی کشورها است. بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، تمام انسان‌ها از جمله برخوردار از حقوقی به قرار زیر اند: حق زندگی، آزادی بدن، امنیت گردهم‌آیی‌ها و تشکل‌ها، رفت‌وآمد، برابری در مقابل قانون، حق محاکمه منصفانه، ازدواج و مالکیت. براین اساس، انطباق شکل حکومت‌ها و چگونگی اعمال قدرت آن‌ها برابر با معیارهای پذیرفته شده بین‌المللی حقوق بشر ضروری است (کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۳۸۹: ۱۹۱).

«شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد» که در سال ۲۰۰۶ جایگزین کمیسیون حقوق بشر این سازمان شد، مهم‌ترین نهاد حقوق بشر در سازمان ملل متحد است. سازوکارهای نظارتی سازمان ملل متحد بر پایه حقوق بشر، به اعلامیه و دیگر اسناد مربوطه شکل ساختاری و روبه‌ای بخشید. به عنوان نمونه، می‌توان از گزارش دادن دولت‌ها درباره وضعیت حقوق بشر کشورهايشان، تنظیم و تسلیم شکایت و تظلم‌خواهی از سوی شهروندان در موارد نقض حقوق بشر، بررسی یک موضوع خاص و معین مرتبط با حقوق بشر در کشورهای جهان، مانند ناپدیدشدن اجباری و اعمال شکنجه نام برد. افزون بر این‌ها و در امتداد تلاش‌های سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر، بایستی از برپایی گسترده نهاد‌های جامعه مدنی در کشورها توسط شهروندان به مثابه فعالیت‌های داوطلبانه و غیر دولتی یاد کرد که نقش اساسی و مؤثری در ژرفایی، شناسایی و ارتقاء حقوق بشر دارند. این نهاد‌های مدنی، در حضور و مشارکت در روندهای بین‌المللی، در تصمیم‌گیری‌های جامعه جهانی ناظر به فرایند دموکراسی‌سازی، به-زامداری (حکمرانی مطلوب)، بالابردن شفافیت و پاسخگویی دولت‌ها، مسائل زیست‌محیطی و مالکیت میراث

مشترک بشریت، نقش مثبت، تأثیرگذار و سازنده ایفا می‌کنند. دو نمونه نهاد‌های جامعه مدنی بین‌المللی، عبارت‌اند از «عفو بین‌الملل» و «دیدبان حقوق بشر».

اعلامیه جهانی حقوق بشر در اسناد مهم منطقه‌ای آسیا، اروپا، آمریکا، آفریقا، کشورهای عربی و کشورهای همسود، تأثیرگذار بوده است (همان، ۱۱۸-۱۰۳). از سوی دیگر، این اعلامیه در قوانین اساسی کشورها به شکل‌های گوناگون تبلور یافته است (همان: ۱۰۲-۸۴).

تجربه روشن‌گر و تأثیرگذار حقوق بشر با مبانی و مفهومی‌های مشترک مورد پذیرش جامعه بین‌المللی، آشکارا گواه جهانشمولی حقوق بشر در جهان است. روندی که با تأسیس سازمان ملل متحد از منشور ملل متحد آغاز شد و به اعلامیه جهانی حقوق بشر انجامید، تا زمانه ما، از پویایی اندیشه حقوق بشر در قالب تفسیرها، نقدها و مسیر رو به پیشرفت حقوق بشر در جهان حکایت می‌کند. از این رو، در مطالعات حقوق بشر در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های جهان و نهادهای مربوطه در سازمان ملل متحد، جزمیت، تعصب و یکسونگری راه ندارد.

۲. در سنجش «حقوق بشر غربی»

افرادی، اینجا و آنجا، می‌کوشند حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی را «غربی» بخوانند و با این دست‌آویز، از در مخالفت و منازعت با آن درآیند. خبر این مخاصمت به بعضی از اندیشمندان غربی نیز رسیده است. مایکل فریدن از وارد آوردن اتهام به اعلامیه جهانی حقوق بشر با عنوان «جایگاه تفکرات غربی» نام برده است (فریدن، ۱۳۸۴: ۱۳۵). به راستی آیا حقوق بشر «غربی» است؟ اگر غربی نامیدن حقوق بشر به این معنی باشد که فیلسوفان و دانشمندان مغرب‌زمین، بیشترین نقش را در موضوع حقوق بشر در جهان داشته‌اند، بی‌تردید می‌توان گفت که حقوق بشر غربی است. به واقع، سرچشمه موضوع حقوق بشر در دوران تجدد که ما در آن زیست می‌کنیم، مغرب زمین با تأکید به اروپای سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی بوده است. می‌دانیم که از سده شانزدهم، پس از نوزایش در اروپا، دگرگونی‌های بنیادین در علوم انسانی و تجربی، اختراعات مهم در صنایع و اندیشه‌های نو در سیاست و حکمرانی پدید آمد. اندیشه حقوق بشر در سده هفدهم مدون شد و این موضوع از اندیشه، زبان و قلم فیلسوفان بزرگی همچون توماس هابز، جان لاک، ژان ژاک روسو و ایمانوئل کانت سرچشمه گرفت (لیپست، ۱۳۸۳: ۶۱۱-۶۱۲؛ محمودی، ۱۳۹۵: ۲۶۴-۲۲۱ و ۲۹۴-۲۷۵). بعید می‌دانم که مدعیان غربی خواندن حقوق بشر، حاضر به بیان چنین حقیقتی راجع به خاستگاه حقوق بشر در دوران تجدد باشند. اینان درصدد اند که چنین مدعایی را دستمایه پیشبرد اغرض و اهداف سیاسی خویش قرار دهند.

در سده‌های میانه، آنچه در شرق اسلامی دیده می‌شد، اغلب ظهور فلسفه‌هایی بود که در بهترین حالت زیر تأثیر فلسفه یونان در دوران باستان، با بازسازی‌ها و نوآوری‌هایی همراه بود. آراء فیلسوفان سرآمدی مانند ابونصر فارابی،

ابوعلی سینا و صدرالدین شیرازی، از سویی با فلسفه یونان و از سوی دیگر با الهیات و عرفان اسلامی آمیخته بود. پرسش این است که کدامیک از این سه تن می توانستند به فلسفه سیاسی روی آوردند و در باب حقوق بشر سخن بگویند؟ چنین انتظاری از آنان به هیچ وجه نمی توانست واقع بینانه باشد. فارابی در آثار خود، آرمانشهری را با عنوان «مدینه فاضله» تصویر می کند که می توان آنرا در دسته بندی متون «آرمانشهری» تاریخ کهن قرار داد. «مدن ضاله» او نیز نظریه نیست، بلکه طبقه بندی این مدینه ها و در مواردی نقد آنها است.

براین اساس، نظریه های اجتماعی و سیاسی فیلسوفان - که می توان عنوان کلی فلسفه سیاسی بر آنها نهاد - از اروپای دوران تجدد سربرآورد. در میان کشورهای اروپایی، انگلستان، آلمان، فرانسه و تا حدی ایتالیا، بیشترین سهم را در فلسفه و دیگر دانش های نظری و تجربی داشته اند. به یادآوریم که مشارکت اندیشه وران ایالات متحده آمریکا در فلسفه سیاسی را - که پیش از انقلاب فرانسه آغاز شده بود - نمی توان نادیده گرفت. *مقالات فدرالیست* شاهی بر پیشرو بودن آمریکاییان در پی ریزی شالوده های نظری دوران مدرن به ویژه حقوق بشر و دموکراسی است (پرهام، ۲۰۱۷؛ محمودی، ۱۳۹۳: ۱۹۸-۱۹۵).

برپایه آنچه که در نهایت ایجاز گفته شده، می توان این واقعیت را به زبان آورد که حقوق بشر، تبلور یافته در اعلامیه جهانی حقوق بشر، غربی است، زیرا دانش و فلسفه غربی در پیدایش و بالندگی آن، بیشترین سهم را داشته است. این واقعیت درخشان، نه جایی برای تقبیح و تخفیف حقوق بشر باقی می گذارد و نه سرزنش غربیان. برعکس، ما در موضوع های بسیار از جمله حقوق بشر، وامدار غربیان هستیم و بر پایه اخلاق و از سر فروتنی، بایستی کلاه از سر برداریم و به شخصیت های بزرگی که ما را در جهان نو با حقوق بشر آشنا کردند، ادای احترام کنیم. فیلسوفان بزرگی که از زندگی، آزادی و دارایی به مثابه سه حق بنیادین بشر سخن گفتند، حق انقلاب را در سده هجدهم مطرح کردند، بحث مدارا و تساهل را به میان آوردند، جنگ دفاعی را تنها جنگ مشروع دانستند و از صلح پایدار جانبداری کردند، همگی بر نوع بشر طی چهار سده گذشته منت نهاده اند. آنان در این مسیر سخت و دشوار، رنج ها کشیدند، بی مهری ها دیدند، به زندان افتادند، راه تبعید در پیش گرفتند، ممنوع القلم، ممنوع البیان و ممنوع التدریس شدند و آثار بعضی از آنان در شعله های آتش حاکمان بی خرد و خودکامه سوخت و به خاکستر مبدل شد. کوشش های فکری آنان در راه آزادی، عدالت، حقوق بشر، دموکراسی، تساهل و مدارا، نفی استبداد دینی، و نفی حکومت های مطلق فردی، به سادگی به دست نیامد. خدمات بزرگ آنان تا جهان پایدار است جاودانه خواهد بود. مبدا کسانی از دانایان و آزادگان در ایران امروز، از گفتن و نوشتن این حقایق، کوچک ترین دودلی و تردیدی به خود راه دهند و در این زمینه گرفتار لکنت زبان، محذور و یا مأخوذ به حیاء شوند!

حقوق بشر را صرفاً غربی نامیدن، دور از آگاهی و انصاف است، زیرا نخست، دانش‌ها و اندیشه‌های بشری، یافته‌ها و اندوخته‌های بشریت اند و در فرهنگ و تمدن انسانی نقش اساسی دارند؛ چه شرقی و چه غربی. نه شرقیان حق دارند دانش‌ها و اندیشه‌های غربیان را تحقیر کنند و به سُخره بگیرند، نه غربیان چنین حقی دارند. اندیشه‌وران کشورهای جهان می‌توانند با گفت‌وگو و هم‌افزایی، از سرمایه‌های فکری بشری با اقتباس آگاهانه بهره‌برگیرند. نکوهش، توهین و تحقیر در این زمینه هیچ جایی ندارد و به هیچ‌وجه از نظر عقلی، اخلاق و دینی توجیه‌پذیر نیست. دوم، راه بحث و نقادی برای سنجش اندیشه‌ها و نظریه‌ها همواره گشوده است؛ چه ناظر به دانش‌ها و فلسفه‌های غربیان باشد و چه شرقیان و کشورهای مسلمان‌نشین. یک نمونه، پیش‌نویس متن اعلامیه جهانی حقوق بشر است - که چنانکه پیش از این آمد-، در کمیسیون مربوط به بحث گذاشته شد. موافقان و مخالفان با یکدیگر به گفت‌وگو نشستند و سرانجام اجماع پیرامون متنی حاصل شد که حقوق بشر را با معنا و ادبیاتی جهانشمول به جهانیان عرضه کرد. پس از تصویب اعلامیه تا روزگار ما، باب نقد و سنجش این متن، کلمه به کلمه، و از سوی فیلسوفان و دانشمندان علم حقوق، علم سیاست، علوم اجتماعی و دیگر علوم مربوطه و نیز در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، همواره گشوده بوده است.

بنابراین، از سویی سهم تاریخ‌ساز غربیان در باب ابداع مبانی، اصول و مواد اعلامیه شایسته ارج‌گذاری است، از سوی دیگر، اسناد حقوق بشر در مواردی جنبه توصیه دارد و در مواردی، بر اساس آراء مثبت کشورهای عضو ملل متحد، الزام‌آور و لازم‌الاجرا است. در نتیجه، با عبارت مجعول «حقوق بشر غربی»، دستاوردهای جهانی حقوق بشر را تحقیر و تخفیف کردن و مهر بطلان به این سرمایه گرانسنگ انسانی و جهانی زدن، نسبتی با خردورزی، انسان‌دوستی، اخلاق و صلح‌طلبی ندارد.

۳. دموکراسی و حقوق بشر

هرچند نظام‌های مبتنی بر دموکراسی در جهان ما از حاکمیت مردم و رأی اکثریت در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار اند و حکومت مردم بر مردم را عینیت بخشیده اند، اما دموکراسی‌ها آنگاه قابل پذیرش و دفاع‌اند که در چارچوب حقوق بشر بنیان نهاده شوند و از اصول حقوق بشر مندرج در اعلامیه تخطی نکنند. پذیرفتنی نیست که مجالس قانون‌گذاری در کشورهای دموکراتیک به آراء اکثریت تکیه کنند و اقلیت را به پیروی بی‌چون‌وچرا از تصمیم‌های خویش وادارند. حقوق بشر به این سازوکار بسنده نمی‌کند، بلکه تأمین حقوق اقلیت‌ها را شرط لازم برپایی نظام‌های دموکراتیک می‌داند. از این روست که لیبرالیسم به ابداع نظریه‌ها و سازوکارهایی پرداخته است تا عدالت و برابری در حق تمام شهروندانی اعمال شود که در یک نظام مبتنی بر دموکراسی زیست می‌کنند (محمودی، ۱۳۹۶). بنابراین،

یک نظام حکومتی آنگاه می‌تواند دموکراتیک باشد که سیاست‌ها، قوانین، ساختارها و برنامه‌های آن بر مدار حقوق بشر نهاده شود و به اجرا درآید.

۴. نقش ایران در بنیانگذاری سازمان ملل متحد

ایران در تأسیس سازمان ملل متحد نقش بنیادین و محوری داشته است. نمایندگان دولت ایران در دو ساحت متن‌های پایه و ساختارهای ملل متحد، صاحب ابتکارهای درخشان و سازنده بوده‌اند که تاریخ این نهاد بین‌المللی را رقم زده است. پیش از مشارکت در تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، ایران در تدوین «منشور ملل متحد» و بنیان‌گذاری سنگ بنای «سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد» (یونسکو) نقش اساسی داشته است.

دولت ایران در این زمینه با اعزام هیئتی عالی‌رتبه به کنفرانس بین‌المللی سانفرانسیسکو، همت گمارد. در میان ۱۷ عضو این هیئت، شخصیت‌هایی مانند منصور عدل (رئیس هیئت)، علی اکبر سیاسی، نصرالله انتظام، قاسم غنی، حسین نواب، لطفعلی صورتگر، رضازاده شفق و الهیار صالح حضور داشتند. علی اکبر سیاسی در این کنفرانس پیشنهاد کرد کمیسیونی تشکیل شود که وظیفه آن «ایجاد حسن تفاهم بین ملت‌ها» باشد. این پیشنهاد با استقبال گرم شماری از کشورها مواجه شد و شالوده تأسیس کمیسیون تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد گردید. در واقع، این علی اکبر سیاسی بود که در پایه‌گذاری نهاد جهانی یونسکو گام نخست را برداشت. افزون بر این ابتکار درخشان تاریخی، او به عضویت کمیته‌ای بیست نفره به اسم «کمیته تدوین» (Drafting Committee) انتخاب شد تا «مصوبات مجمع عمومی را مرتب و منظم و انشا کند و به صورت اساسنامه سازمان ملل متحد درآورد و برای تصویب به جلسه عمومی عرضه بدارد.» این اساسنامه در مجمع عمومی کنفرانس تقریباً بدون اصلاح و تغییر به تصویب رسید و کلیه رؤسای هیئت‌های اعزامی به کنفرانس، آنرا امضا کردند. این اساسنامه از آن پس «منشور ملل متحد» نامیده شد (سیاسی، ۱۳۸۶: ۱۵۱-۱۴۸).

در ارتباط با تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، ایران یکی از ۱۸ دولت جهان بود که از سوی کشورهای عضو سازمان ملل متحد به عضویت کمیسیون حقوق بشر درآمد. رأی ایران در کنار ۴۷ کشور دیگر به اعلامیه جهانی حقوق بشر مثبت بود. نگاه جهانی و میراث فکری دولتمردان دانشمند و میهن‌دوست ایران در تاریخ معاصر به فراموشی سپرده نشد و تأثیرات درازمدت خود را برجای نهاد؛ به گونه‌ای که قانون اساسی ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷ از این سرمایه گرانسنگ بی‌نصیب نماند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش حقوق ملت، ماده‌های مربوط به حقوق و آزادی‌ها، بازتاب متن اعلامیه جهانی حقوق بشر است، مانند ممنوعیت شکنجه (اصل ۳۸) که یادآور ماده ۵ اعلامیه است. نیز حراست از حریم خصوصی (اصل ۲۵) که ناظر به ماده ۱۲ اعلامیه است، و ممنوعیت بازداشت خودسرانه (اصل ۳۲) که در ماده ۹ اعلامیه به چشم می‌خورد، و حق مسکن (اصل ۳۱) که یادآور ماده ۲۵ اعلامیه است (همان، ۱۰۰-۹۹).

ابتکارها و همکاری‌های سازنده ایران در آنچه گذشت متوقف نشد. نمونه تاریخی و مثال‌زدنی آن، پیشنهاد قطعنامه سال ۲۰۰۱ به عنوان «سال ملل متحد برای گفت‌وگوی تمدن‌ها» بود که در دوران دولت اصلاحات (۱۳۸۴-۱۳۷۶) به ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، در مجمع عمومی ملل متحد با اجماع تمامی کشورهای عضو به تصویب رسید. شایان ذکر است که این نخستین قطعنامه‌ای بود که از زمان تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، پس از ۵۴ سال، از سوی ایران پیشنهاد شد و در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۱۳۷۸ (۱۲ نوامبر ۱۹۹۹) به تصویب رسید.

۵. حقوق بشر و دولت‌های خودکامه

بی تردید، دولت‌های استبدادی و خودکامه، نه به قانون‌های مصوب کشورهای خود پایبند اند و نه به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر. این دولت‌ها در پی آن نیستند که حتی پیرو قانون‌هایی باشند که خود وضع می‌کنند. آنان انگیزه شخصی چندانی در حمایت از حقوق افراد ندارند. می‌توان گفت که فقط در نظام‌های دموکراتیک امکان پایبندی و حرمت‌نهادن به حقوق بشر وجود دارد. امکان ندارد که نظام‌های خودکامه برای حقوق بشر ارزشی قائل باشند و برپایه آن، کشورها را اداره کنند. البته حقوق بشر فقط در کشورهای استبدادی و خودکامه نقض نمی‌شوند، بلکه در نظام‌های دموکراتیکِ جانبدار حقوق بشر نیز شاهد نقض حقوق بشر هستیم، اما فاصله این نظام‌ها با کشورهای دیکتاتوری به اندازه‌ای زیاد است که در تصور انسان نمی‌گنجد.

نظام‌های استبدادی گرچه زیر بار رعایت حقوق بشر نمی‌روند، اما نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. از این رو، در صدد به کاربردن ترفندهایی هستند تا به کمک آن‌ها از زیر بار مسئولیت نسبت به رعایت حقوق بشر شانه خالی کنند. شماری از این ترفندها به قرار زیر اند:

۱. رژیم‌های استبدادی خودکامه که التزامی به رعایت حقوق بشر ندارند و تأکیدهای سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی را در این مورد، دخالت در امور داخلی خود می‌خوانند. این دولت‌ها یا درکی از محتوا و اهمیت حقوق بشر ندارند و به تعهدات آن پایبند نیستند و یا مرزهای کشورها را نفوذ ناپذیر می‌دانند. آنان به غلط می‌پندارند که در داخل کشورها هرآنچه از ظلم و قانون‌شکنی و سرکوب اراده کنند می‌توان در حق شهروندان مرتکب شوند، حتی اگر نقض فاحش حقوق بشر مانند نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت باشد که در نظام ملل متحد مستوجب مجازات‌های کیفری بر اساس رأی دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه است.

۲. رژیم‌هایی که مدعی‌اند وضع حقوق بشر در کشورهای زیر سلطه آنان در بهترین حالت است و مردم از امنیت، آزادی و رفاه کامل برخوردار اند. این دولت‌ها به این ادعاهای دروغ نیز بسنده نمی‌کنند و با صدای بلند فریاد می‌زنند که کشورهای جهان باید از رژیم‌های آنان در زمینه حقوق بشر الهام و سرمشق بگیرند.

۳. رژیم‌هایی که زیر فشار نهادهای بین‌المللی، برخی کشورهای ذی‌نفوذ، نهادهای مدنی و افکار عمومی به اجبار تن به بهبود نسبی و ناپایدار وضع حقوق بشر می‌دهند. پیداست که این رژیم‌ها با حقوق بشر همدل و همراه نیستند، بلکه به پیروی از فایده‌گرایی، به نحو حداقلی با حقوق بشر همراهی می‌کنند تا گرفتار انزوا، بحران‌های داخلی و تحریم‌های بین‌المللی نشوند.

۴. رژیم‌های که همواره و حسب عادت، با فریبکاری پشت سنگر حقوق بشر پنهان می‌شوند و ادعای آزادی‌خواهی و رعایت حقوق بشر می‌کنند، اما با مخفی‌کاری، دروغ‌گویی و ظاهرسازی، در عمل مفاد اعلامیه حقوق بشر را نقض می‌کنند.

نتیجه

حقوق بشر واقعیتی جهانشمول است که بر اساس مفهوم‌ها و ادبیات آن، تمام مردمان جهان را زیر چتر گسترده خود جای می‌دهد. سازمان ملل متحد، دولت‌های دموکراتیک، نهادهای جامعه مدنی، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و کنشگران مدنی در شناساندن حقوق بشر در کشورهای جهان نقش بنیادین و مؤثر داشته و دارند. این تلاش‌ها در بهبود نسبی حقوق بشر تاثیرگذار بوده است؛ هرچند در زمینه حقوق بشر جهان ما راه دراز در پیش دارد. یکی از معضلات حقوق بشر، نقض آشکار حقوق شهروندی در کشورهایی است که در آن‌ها دولت‌های استبدادی و خودکامه برسر کار اند. در برابر این معضل، بالا بردن کیفیت و گستره آموزش و ترویج حقوق بشر در جهان همراه با برخورد حقوقی و قضایی با کشورهای ناقض حقوق بشر و اعمال تنبیه‌های مؤثر با هدف تغییر رفتار دولت‌های قانون‌گریز و خودسر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در ایران امروز، نظام جمهوری اسلامی به عنوان عضو سازمان ملل متحد و ملتزم به رعایت اعلامیه جهانی حقوق بشر، باید از یکسو در شناساندن و ترویج حقوق بشر از طریق رسانه‌های گروهی، گشودن فضای آزاد برای نهادهای مدنی حقوق بشر و گنجاندن مواد درسی در مدارس و دانشگاه‌ها اقدام کند. از سوی دیگر، با تکیه به پیشینه درخشان و برجسته دولت‌های پیشین ایران و کسب تجربه از آنان در این زمینه، با سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای جهانی به همکاری، مشارکت و هم‌افزایی در راستای ژرفایی و گسترش حقوق بشر مبادرت ورزد.

***استاد دانشکده روابط بین‌الملل و پژوهشگر فلسفه سیاسی**

یادداشت

(۱) «قاعده امره حقوق بین‌الملل عام قاعده‌ای است که به وسیله کل جامعه بین‌المللی کشورها به عنوان قاعده‌ای تخلف‌ناپذیر، که تنها با یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام، با همان ویژگی قابل تعدیل می‌باشد، پذیرفته و مورد شناسایی قرار گرفته است.»

(کنوانسیون حقوق معاهدات وین، ۱۹۶۹، ماده ۵۳). مواردی از قاعده آمره عبارت‌اند از: منع تجاوز، ممنوعیت نسل‌کشی، منع جنایت علیه بشریت، قواعد بنیادین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، ممنوعیت تبعیض نژادی و آپارتاید، ممنوعیت بردگی، منع شکنجه، حق تعیین سرنوشت.

کتابنامه

- اعلامیه جهانی حقوق بشر* (۱۳۹۳)، چاپ دوم، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۸۶)، *گزارش یک زندگی*، جلد اول، تهران، نشر اختران.
- فریدن، مایکل (۱۳۸۴)، *مبانی حقوق بشر*، ترجمه فریدون مجلسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- کمیسسیون حقوق بشر اسلامی (۱۳۸۹)، *ده گفتار در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر*، (مجموعه مقالات)، تهران، آیین احمد.
- لیپست، سیمور مارتین [زیر نظر] (۱۳۸۳)، *دایره‌المعارف دموکراسی*، جلد دوم، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- محمودی، سید علی (۱۳۹۵)، *فلسفه سیاسی کانت، اندیشه سیاسی در گستره فلسفه نظری و فلسفه اخلاق*، چاپ سوم، تهران، نشر نگاه معاصر.
- محمودی، سید علی (۱۳۹۳)، *درخشش‌های دموکراسی، تأملاتی در اخلاق سیاسی، دین و دموکراسی لیبرال*، تهران، نشر نگاه معاصر.
- محمودی، سید علی (۱۳۹۶)، «لیبرال-سوسیال دموکراسی به مثابه هدف نهایی در گذار به دموکراسی»، *پویه، فصلنامه مطالعات ایرانی*، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۶.
- مقالات فدرالیست* (۲۰۱۷)، ترجمه باقر پرهام، ایالات متحده، توانا.
- منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری* (۱۳۹۴)، چاپ هفتم، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد.

وب سایت:

www.drmaahmoudi.com

کانال تلگرام:

@Drmaahmoudi7

آبان ماه ۱۴۰۱